

چکیده

«محور مقاومت» به‌عنوان یک جریان قدرت در چند دهه اخیر عموماً به‌صورت جنبش در کشورهای مختلف نقش‌آفرینی کرده است. حزب‌الله در لبنان، حماس در فلسطین، انصارالله در یمن، حشد الشعبی در عراق و... با آرمانی مشترک به مقابله با ظلم، استکبار و استعمار می‌پردازند. جریان‌های مقاومت که به‌صورت شبکه‌ای و حول محور عقیده به یکدیگر وصل هستند با مسئله‌ای به نام «دولت ملی» مواجهند. در راستای تبیین این مسئله چندین سؤال مطرح می‌شود: آیا زمینه برای تبدیل این جنبش‌ها به سطح دولت وجود دارد؟ در صورت وجود زمینه، چه مدل حکومتی مناسب‌تر است؟ در صورت رسیدن این جنبش‌ها به سطح دولت، چه فرصت‌ها و تهدیدهایی برای آینده محور مقاومت می‌توان متصور شد. در این مقاله، تنها مناسبات میان انصارالله و دولت یمن براساس روش سوات مورد تحلیل قرار می‌گیرد و نمونه‌های دیگر از جبهه مقاومت به مقالات دیگری موکول می‌شود.

واژگان کلیدی

مقاومت، دولت، انصارالله، یمن، دولت مقاومت

۱. دکترای علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ دانشگاه یزد،

m.kamali@yazd.ac.ir

بیان مسئله

اندیشه «مقاومت» به عنوان تفکری علیه اندیشه سلطه، همواره در تاریخ بشر ظهور و بروز داشته است. مقاومت هر فرد، گروه یا جنبش براساس یک سری اصول و مبانی صورت می گیرد. این اصول و مبانی، جریان های مقاومت را به رغم اشتراک در اصل مقاومت در برابر ظالم، از هم جدا می کنند. در تاریخ اسلام به عنوان یک مکتب، مثال های بسیاری از مقاومت وجود دارد. مقاومت پیامبر (ص) در مقابل جهالت قریش، مقاومت علی (ع) علیه دثانت معاویه و مقاومت حسین (ع) در برابر ضلالت یزید هر یک نمونه های خوبی برای هر دین مدار واقعی است. در سده اخیر، مسلمانان پس از چندین قرن خواب غفلت، متأثر از روشنگرانی مانند سید جمال به احیای اندیشه اسلامی در مقابل جهان سکولار شده غرب رو آوردند. این تلاش ها پس از پیروزی و شکست های بسیار، به انقلابی بزرگ به رهبری عارفی حکیم و شریعت مدار منتهی شد که خود سرآغاز احیای مقاومت علیه جهالت، دثانت و ضلالت مدرن بود.

پس از این انقلاب که به نام نامی اسلام صورت گرفت، شاهد شکل گیری و قدرت گیری محوری از جریان های اسلامی برای مقاومت از میان ملت مسلمان به صورت خودجوش با نظام سلطه بوده ایم. این جریان های مقاومت که بر مبنای اندیشه دینی امت واحد و زیر پرچم توحید و عقیده به نبوت و معاد راستین شکل گرفته اند، در سطح غیردولتی بوده اند. از سوی دیگر، در جهان اسلام پس از فروپاشی خلافت عثمانی، نهاد دولت با مشخصه های مدرن آن شکل گرفت. بدین سان مناسبات میان جریان های «مقاومت» و «دولت» های ملی که عموماً در پیوند با دموکراسی بوده اند، خود مسئله ای است که تبیین وجوه آن به محور مقاومت در مبارزه با نظام سلطه کمک شایانی می کند و از قبل مهملکات و منجیات دولت مقاومتی یا دولت علیه مقاومت را آشکار می کند.

هیچ یک از جریان های مقاومت تاکنون به سطح دولت نرسیده اند. در این مقاله برای مشخص کردن مناسبات جنبش انصارالله با مسئله دولت از چندین منزل به شرح زیر باید عبور کنیم. در منزل اول، توضیحی درباره چارچوب روشی و سپس تشریحی از وضعیت دولت در یمن از حیث ساختاری ارائه می شود. در مرحله بعد، به تحلیل فرصت ها و تهدیدها، نقاط ضعف و قوت انصارالله برای رسیدن به سطح دولت می پردازیم و در انتها با اتکا به این مناسبات، الگوی راهبردی برای جنبش انصارالله ارائه می شود.

چارچوب روشی

در این پژوهش براساس چارچوب روشی SWOT، نسبت مقاومت و دولت در یمن را تحلیل می کنیم و به تناسب، راهبردهایی برای آینده ارائه می دهیم. در این بخش اشاره ای کوتاه به این روش

تحلیل که از روش‌های آینده‌پژوهی است، می‌کنیم. SWOT مخفف کلمات strengths, Weaknesses, Opportunities و Threats به معنی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهاست. SWOT چارچوبی برای ارزیابی موقعیت پدیده‌های مختلف و ارائه راهبرد برای آینده در آن حوزه مد نظر است و عوامل داخلی و خارجی و همچنین پتانسیل فعلی و آینده را ارزیابی می‌کند.

ماتریس سوات به شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها، ضعف‌ها و قوت‌ها محدود نیست، بلکه تحلیل آنها باید به استخراج راهبرد ختم شود. در روش سوات امکان استخراج چند راهبرد به شرح زیر وجود دارد:

راهبرد SO: هدف راهبرد Strengths – Opportunities این است که از فرصت‌های خارجی با تمرکز بر نقاط قوت شناسایی شده به بهترین شکل بهره‌برداری شود.

راهبرد WO: در راهبرد Weaknesses – Opportunities به منظور کاهش آثار ناشی از نقاط ضعف پدیده از فرصت‌های موجود استفاده می‌شود.

راهبرد ST: راهبرد Strengths – Threats روی این متمرکز است که چه تدابیری باید اندیشید تا به منظور غلبه (کاهش یا از بین بردن) بر تهدیدهای خارجی از نقاط قوت و توانمندی‌های سازمان استفاده شود.

راهبرد WT: هدف Weaknesses – Threats این است که چه تصمیم‌هایی اتخاذ شود که در برابر تهدیدهای شناسایی شده، ضعف‌های مسئله به حداقل ممکن برسد.

در بخش انتهایی مقاله با اتکا به این روش، راهبردهایی برای مسئله پژوهش ارائه می‌شود؛ اما در ادامه توضیحی درباره دولت یمن و جنبش انصارالله داده می‌شود.

دولت یمن و جنبش انصارالله (اپوزیسیونی انقلابی در برابر دولت)

یمن، در طول تاریخ، تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته است. نقش مذهب زیدیه در این تحولات بسیار پررنگ بوده است؛ به گونه‌ای که می‌توان یمن را طی یک گذار تاریخی به دو بخش تقسیم کرد: یمن سفلی که مذهب شافعی در آن رایج است و یمن علیا که اهالی آن پیرو مذهب زیدیه هستند. این تقسیم‌بندی مذهبی با تقسیم‌های جغرافیایی، زیستی، اجتماعی و اقتصادی و حتی سیاسی نیز سازگار به نظر می‌رسد.

۱. ساختار نظام سیاسی (جمهوری اقتدارگرا)

مدل حکومتی در یمن از سال ۱۹۹۰ در قالب جمهوری رسمیت یافت. بر اساس قانون اساسی پیش از جنگ ۲۰۱۳ در یمن، رئیس‌جمهور و ۳۰۱ عضو مجلس قانون‌گذاری به طور مستقیم با رأی





مردم انتخاب می‌شوند. رئیس‌جمهور توسط دو نامزدی که دست‌کم مورد تأیید ۱۵ عضو پارلمان هستند و در واقع توسط مردم انتخاب می‌شود؛ اما نخست‌وزیر را رئیس‌جمهور منصوب می‌کند و باید دوسوم اعضای پارلمان نیز وی را تأیید کنند. بر این اساس، دوره ریاست‌جمهوری ۷ ساله و دوره نمایندگی پارلمان ۴ ساله است. البته در تغییرات قانون اساسی در سال ۲۰۱۱، مدت ریاست‌جمهوری به پنج سال کاهش یافت (دستور الجمهورية اليمنية، الباب الأول، ۱۹۹۵).

یمن تا قبل از سال ۱۹۹۰ به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شده بود. پس از کودتای ۲۶ سپتامبر ۱۹۶۲، یمن شمالی تشکیل شد و در جنوب آن در سال ۱۹۶۷، جمهوری دموکراتیک خلق یمن پس از استقلال از استعمار انگلیس شکل گرفت. هر دو بخش در ۲۲ مه ۱۹۹۰ طبق فرایند وحدت مسالمت‌آمیز با هم متحد شدند و جدایی ۱۵۰ ساله آنها با تصویب پارلمان‌های دو یمن پایان یافت؛ در نتیجه، دولت یمن متحد با ائتلاف احزاب حاکم در یمن شمالی و جنوبی سابق تشکیل و صنعا به‌طور رسمی به‌عنوان پایتخت یمن متحد معرفی شد. به این ترتیب، جمهوری یمن با ۲۱ استان تشکیل شد که جمعیت آن نیز بر اساس شرایط جغرافیایی در مناطق کوهستانی، دره‌ها، سواحل و مناطق بدوی و همچنین جزایر اسکان یافتند.

نظام سیاسی یمن، تا قبل از تحولات سال ۲۰۱۱، جمهوری و بر اساس نظام چندحزبی و پلورالیسم سیاسی بود. در این کشور براساس قانون اساسی، قدرت در سه سطح توزیع شده بود: قوه مجریه که شامل رئیس‌جمهور و هیئت دولت است؛ قوه مقننه و قوه قضاییه. این سه قوه از نظر کاری و وظایف از یکدیگر مستقل بودند، اما در مرحله اعمال قدرت، حقیقت چیزی دیگر و حاکی از سیطره کامل قوه مجریه یا حاکمیت رئیس‌جمهور بر سایر قوا بود. رئیس‌جمهور اختیاراتی گسترده داشت و مانع ایفای نقش مؤثر و مستقل سایر قوا می‌شد.

در حقیقت در نظام سیاسی یمن پیش از تحولات ۲۰۱۱، قدرت رئیس‌جمهور قدرت نافذ بود و سایر قوا فقط می‌توانستند مطیع و مجری سیاست‌ها و تمایلات رئیس‌جمهور باشند. در واقع، هیئت دولت صرفاً حکم یک دبیرخانه برای اوامر رئیس‌جمهور را داشت. همچنین قوه قضاییه استقلال نداشت؛ زیرا رؤسای آن را قوه مجریه تعیین می‌کرد. وضعیت قوه مقننه نیز به همین شکل بود و اغلب اعضای آن به حزب حاکم وابسته بودند و فقط تعداد اندکی از مخالفان و افراد مستقل در مجلس حضور داشتند که آنها هم هیچ نقش فعالی نداشتند. به این ترتیب، رئیس‌جمهور از طریق حزب حاکم، سایر قوای اصلی کشور را تحت سیطره خود داشت.

الف) قبیله‌گرایی عنصر اصلی دولت یمن (دولت پدرسالار)^۱

در بررسی ساختار قدرت در یمن بررسی نقش قبایل و حلقه‌های کانونی قدرت اهمیتی بسیار دارد. قبایل گسترده‌ترین نیروهای اجتماعی در یمن هستند و سطح نفوذشان در قدرت تا حد زیادی به نزدیکی‌شان به فرد حاکم بستگی دارد. برای مثال، سنحان (قبیله علی عبدالله صالح) هرچند کوچک بود، اما دسترسی فوق‌العاده‌ای به منابع دولتی داشت. این قبیله به دایره داخلی حاکمیت راه یافته بود. سنحان یکی از طوایف قبیله بزرگ حاشد محسوب می‌شود که کوچک‌تر از بقیه قبایل است، اما انسجام داخلی بیشتری در مقایسه با قبایل شمالی دارد. قبیله بزرگ دیگر در یمن بکیل نام دارد. دو قبیله بزرگ حاشد و بکیل، به‌ویژه حاشد، همواره نفوذ بسیاری در سطوح بالای قدرت و در سطوح پایین‌تر قدرت و همچنین در ارتش و نیروهای امنیتی داشته‌اند. این وضعیت سبب شد که دایره داخلی حاکمیت تا حد زیادی به منافع این دو قبیله در تصمیم‌هایشان توجه کنند (بدوی، ۲۰۱۷: ۵).

بنابراین قبیله عامل اصلی در محاسبات سیاسی دولت و عنصر اعتماد متقابل میان دولت و برخی قبایل (به‌ویژه حاشد و بکیل) بود. گروه‌های شبه‌نظامی در قبیله برای دفاع از دولت در مقابل تجاوز خارجی، به‌ویژه از جانب عربستان، و برای ممانعت از تجزیه کشور پس از اتحاد در سال ۱۹۹۴ و همچنین در برابر القاعده و سرکوب جنبش الحوثی در دوران اخیر مبارزاتی داشته‌اند. می‌توان گفت قدرت دولت یمن تا حدود زیادی بر پشتیبانی قبایل متکی بوده و هست. از این رو، بسیاری از شیوخ قبایل به علت حمایت مستقیم از دولت از بودجه‌های حمایتی ویژه‌ای برخوردار بودند و به سیستم حاکمیتی نیز راه می‌یافتند (بدوی، ۲۰۱۷: ۷).

بر این اساس، شبکه غیررسمی و سیال قدرت در اطراف علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهور سابق، مجموعه‌ای از دایره‌های متحدالمرکز را تشکیل می‌دادند که وسط آن دایره، رئیس‌جمهور قرار داشت. در اطراف این دایره نیز بستگان نزدیک رئیس‌جمهور (پسران، برادران و برادرزاده‌ها) و در نقاط دورتر، بزرگان قبیله سنحان قرار می‌گرفتند. این سه حلقه که شاید حدود ۵۰ نفر را شامل می‌شود، کنترل بیشتر کشور، به‌ویژه موقعیت‌های نظامی حساس را در اختیار داشتند. این اعضا «دولت در سایه» را نیز تشکیل می‌دادند که اطلاعات دقیقی درباره هویت و روابط خانوادگی آنها وجود ندارد، جز آنهایی که با رئیس‌جمهور رابطه نزدیکی داشتند.

بر این اساس بزرگ‌ترین پسر صالح، احمد علی عبدالله صالح، فرماندهی گارد ریاست‌جمهوری را برعهده داشت. دختر رئیس‌جمهور نیز پس از ازدواج با پسر عمیش، یحیی، از نفوذی فوق‌العاده در کاخ ریاست‌جمهوری به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی برخوردار شد. برادران



ناتنی رئیس‌جمهور و برادرزاده‌ها نیز سایر مناصب اصلی حلقه قدرت را در اختیار داشتند که عبارت بودند از: فرمانده نیروی هوایی محمد صالح الاحمر (برادر ناتنی)، مدیر دفتر ریاست فرماندهی علی صالح الاحمر (برادر ناتنی)، معاون ستاد مشترک فرماندهی نیروهای امنیت مرکزی، یحیی محمد عبدالله صالح (برادرزاده)، معاون فرمانده امنیت ملی، عمار محمد صالح (برادرزاده)، رئیس گارد ریاست‌جمهوری، طارق محمد عبدالله صالح (برادرزاده). این موقعیت‌ها به‌ویژه آنهایی که از سوی پسر او، احمد، و برادرزاده‌اش، طارق فرماندهی می‌شدند از حمایت شخص رئیس‌جمهور برخوردار بودند. علاوه بر این، فرزند کوچک‌تر صالح فرماندهی نیروهای موشکی را در اختیار داشت.

یمن همچنین به هفت منطقه نظامی تقسیم شده بود که همه آنها را سایر نزدیکان صالح در سحنان اداره می‌کردند غیر از فرماندهی نظامی بخش مرکزی که سیف صالح باقری (شخصیتی از قبایل جنوب) آن را اداره می‌کرد. البته او نیز فقط دست‌نشانده بود و آن بخش مستقیم نیز تحت فرماندهی شخص رئیس‌جمهور بود (رسولی، ۱۳۹۴: ۵۰-۴۳).

با این حال، علی عبدالله صالح برای جلوگیری از تنش میان افکار عمومی و سایر قبایل، به‌شدت مانع از حضور اعضای ارشد سحنان و بستگان نزدیکش در رسانه‌های عمومی می‌شد؛ به‌نحوی که تا چند سال پیش از انقلاب، یمنی‌ها حتی يك عکس از علی محسن، نفر دوم یمن، ندیده بودند و این امر نشان‌دهنده در سایه بودن حلقه درونی است. رژیم همچنین نام‌های حلقه داخلی را از عرصه عمومی پنهان می‌کرد. تا چند سال پیش، حتی نام سابق رئیس‌جمهور، عفاش، مخفی بود. در این میان، شش خانواده وجود داشتند که از روستای رئیس‌جمهور، بیت‌الاحمر بودند. بین این خانواده‌ها دو جناح اصلی وجود داشتند؛ ارتباط طایفه عفاش با علی عبدالله و ارتباط طایفه القاضی با علی محسن از طریق نسبت خونی بود (رسولی، ۱۳۹۴: ۵۴).

همان‌طور که گفته شد، بیرون از حلقه قدرت سحنان، شبکه‌ای از نخبگان قبیله‌های دیگر بودند که نقش کوچک‌تری در حلقه تصمیم‌گیری رئیس‌جمهور داشتند. اصلی‌ترین آنها نیز از دو قبیله حاشد و بکیل بودند که بیشتر مناصب سیاسی، نظامی و اقتصادی را در اختیار داشتند. بدین سان دولت در یمن به‌رغم داشتن شکل جمهوری، به‌شدت به قبیله متکی بود. در واقع دولت از نظر شکلی، به دولت پاتریمونیا^۱ شباهت داشت که از ویژگی‌های خاص فرهنگی و اجتماعی جامعه

۱. پاتریمونیا لیس از انواع سلطه سیاسی سنتی است که ماکس وبر عمدتاً برای کشورهای خاورمیانه مطرح کرد. حاکم در چنین حکومتی می‌کوشد تا نقش پدران‌ای بازی کند و خود را ابوالمله جلوه دهد. عمومی‌ترین ویژگی‌های نظام‌های پاتریمونیا به این شرح است: ۱. شخصی بودن قدرت: قدرت سیاسی و ابزارهای اعمال آن در اختیار شخص حاکم قرار دارد. ۲. سطح پایین نهادمندی سیاسی: حاکم اجازه شکل‌گیری نهادهای مردم‌سالارانه برای مشارکت مؤثر جامعه در امور سیاسی را نمی‌دهد. ۳. انحصار سیاسی: تصمیم‌گیری سیاسی

یمن است و در دولت‌های بعدی باید به این مسئله توجه کرد.

ب) دولت پس از تحولات ۲۰۱۲

پس از کناره‌گیری علی عبدالله صالح از قدرت که توسط جریان‌های مختلف از جمله جنبش انصارالله انجام شد، در ژانویه ۲۰۱۲ معاون او، عبده ربه منصور هادی، جانشین شد؛ اما اعتراضات گروه‌های مختلف تا سپتامبر ۲۰۱۴ همچنان ادامه داشت. در این شرایط با دعوت انصارالله، نشستی به نام «کنفرانس ملی یمن» در صنعا با حضور نمایندگان گروه‌های سیاسی یمن و سران نظامی و امنیتی همسو برگزار شد و پس از سه روز بیانیه‌ای به تصویب رسید که در آن درخواست رفع خلأ سیاسی شده بود: «ما به گروه‌های سیاسی در یمن سه روز مهلت می‌دهیم تا خلأ کنونی در کشور را پر کنند و راهکاری برای حل بحران کشور بیابند و در صورت شکست گروه‌های سیاسی، رهبران انقلاب اوضاع کشور را به‌دست می‌گیرند». هم‌زمان مذاکرات گروه‌های سیاسی از جمله حزب اصلاح و حراک جنوبی با انصارالله و حزب کنگره ملی زیر نظر جمال بن عمر، فرستاده سازمان ملل، انجام شد که به نتیجه‌ای نرسید (معینی، ۱۳۹۴: ۳۲۱). سرانجام یک روز پس از پایان مهلت سه‌روزه و عدم توافق، انصارالله یمن که کنترل صنعا، پایتخت، و بیشتر استان‌های شمالی را در دست داشت، در ۱۷ بهمن ۱۳۹۲ (۶ فوریه ۲۰۱۴) با قرائت بیانیه‌ای منصور هادی را برکنار و اعلام کرد مجلس ملی انتقالی شامل ۵۵۱ نماینده با افزودن ۲۵۰ نماینده دیگر به ترکیب مجلس نمایندگان، جایگزین آن خواهد شد و مجلس انتقالی شورای پنج‌نفره ریاست جمهوری را تعیین خواهد کرد.

پس از اینکه انصارالله توانست منصور هادی را که در عمل ادامه‌دهنده راه صالح بود، از قدرت برکنار کند و صنعا، پایتخت کشور را در دست بگیرد، عربستان برای جلوگیری از قدرت‌گیری انصارالله به حمایت از منصور هادی، جنگی را علیه یمن آغاز کرد. این جنگ باعث شد که یمن به دو دولت تبدیل شود. دولت نخست «دولت نجات ملی» نام دارد که از ۴ اکتبر ۲۰۱۶ در پی توافق میان حزب کنگره و انصارالله تشکیل شد. ابتدا صالح علی صمد رئیس شورای عالی سیاسی - که همان نقش رئیس‌جمهور را دارد - و پس از شهادت او، مهدی المشاط، عبدالعزیز بن حبتور را به‌عنوان نخست‌وزیر یمن، مأمور تشکیل هیئت دولت کرده است. مجلس یمن نیز به این دولت رأی اعتماد داد. اکنون این دولت در صنعا، پایتخت یمن، مشغول کار است و بر بیشتر شمال یمن حاکم است.

تنها به لایه نازکی از نزدیکان و وابستگان حاکم محدود می‌شود. ۴. شبکه خاصه‌بخشی و فساد: اعطای مناصب سیاسی و مزایای اقتصادی به‌عنوان ابزاری کارآمد در اختیار افراد و خویشاوندان هیئت حاکمه قرار دارد که نتیجه آن شیوع فساد در ساختار سیاسی و اجتماعی است. ۵. حمایت خارجی: این نوع دولت‌ها معمولاً به‌علت فقدان پایگاه مردمی به قدرت‌های خارجی روی می‌آورند.



دولت دوم از ۴ آوریل ۲۰۱۶ به نخست‌وزیری احمد عبید بن دغر در بخش‌های جنوبی یمن به پایتختی موقت عدن مشغول کار است. نخست‌وزیر را عبدربه منصور هادی، رئیس‌جمهور برکنار شده یمن، گماشت. البته هیئت دولت از مجلس یمن رأی اعتماد نگرفته است.

ج) شورای عالی سیاسی جانشین ریاست‌جمهوری در دوران جنگ

پس از تحولات مختلف در یمن از سال ۲۰۱۶، انصارالله با اتحاد حزب کنگره ملی خلق یمن، شورای عالی سیاسی را که یک هیئت اجرایی برای حکومت کردن بر یمن است، تشکیل داد. شورای ریاست‌جمهوری متشکل از ۱۰ عضو به ریاست مهدی المشاط به‌عنوان رئیس‌جمهور، و قاسم لیزه به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور است. شورای عالی سیاسی، به‌عنوان رئیس دولت در یمن، مدیریت امور دولت یمن را انجام می‌دهد و تلاش می‌کند خلأ سیاسی موجود در جنگ داخلی یمن را پر کند. هدف این شورا طراحی پایه‌هایی برای اداره کشور و مدیریت امور دولت بر اساس قانون اساسی موجود است. همین‌طور این شورا عبد العزیز بن حبتور را به پست رئیس دولت در حکومت نجات ملی منصوب کرد. اعضای شورا در ۱۴ آگوست ۲۰۱۶ سوگند خوردند و در ۱۵ آگوست کمیته عالی انقلابی یمن قدرت را به این شورا واگذار کرد.^۱ با این حال، این شورا در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته نشده است و به‌نوعی در یک وضعیت انتقالی به‌سر می‌برد.

2. چستی جنبش انصارالله (اپوزیسیون خارج از دولت)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) در سال ۱۹۷۹، برخی از شیعیان زیدیه در یمن طرحی را مبنی بر ایجاد یک جنبش دینی سیاسی ارائه کردند. این طرح در سال ۱۹۸۲ توسط علامه صلاح احمد فلیته در استان صعده مورد تحقیق و بررسی قرار گرفت. در همین راستا جنبش «اتحاد الشباب» در سال ۱۹۸۶ شکل گرفت. در سایه این جنبش بستری فراهم شد که علمایی همچون محمد بدرالدین الحوثی مباحث و دروسی را مبتنی بر تئوری‌های انقلاب اسلامی ایران و اصول آن در حوزه‌های علمیه یمن ارائه کنند. در سال ۱۹۸۸، فعالیت جنبش اتحاد الشباب با توجه به بازگشت علمای بزرگ مذهب زیدیه، همچون علامه مجالدین المویدی و علامه بدرالدین الحوثی که متعاقب انقلاب ۱۹۶۲ به عربستان گریخته بودند، به شدت گسترش یافت.

در سال ۱۹۹۲ نیز هسته مرکزی و اولیه جریان «منتدی الشباب المؤمن» (انجمن جوانان مؤمن) توسط محمد سالم عزان، عبدالکریم جدبان، محمد بدرالدین الحوثی و تعدادی دیگر شکل گرفت. سپس میان اعضای انجمن اختلافاتی به‌وجود آمد. عاملان این اختلافات حسین بدرالدین الحوثی و عبدالله الرزازی بودند که در نهایت به دودستگی در این انجمن و جدایی انجامید

۱. بیشتر اعضای این شورا یا عضو جنبش انصارالله هستند یا وابستگی نسبی به انصارالله دارند.

(www.rand.org).^۱

در سال ۱۹۹۷، نام انجمن از یک مفهوم فرهنگی به مفهوم سیاسی تغییر کرد و «تنظیم الشباب المؤمن» (سازمان جوانان مؤمن) نام گرفت و مسئولیت آن به حسین بدرالدین الحوثی منتقل شد. در آن زمان، سید بدرالدین، پدر سید حسین، مرجعیت عالی سازمان را برعهده داشت. پس از رهبری سید حسین الحوثی بر سازمان جوانان، علامه مجدالدین المویدی و صلاح فلیته از سازمان جوانان مؤمن جدا شدند و در پی آن خصومت‌ها و اتهاماتی بین طرفین رد و بدل شد. جماعت علامه المویدی سازمان جوانان را به توطئه علیه اصول مذهب زیدیه متهم کرد. طرف دیگر نیز جماعت علامه المویدی را به تحجر و جمود فکری و میل به افکار متحجرانه متهم کردند (نیکخواه، ۱۳۹۵: ۱۷).

سید حسین الحوثی به شدت تحت تأثیر افکار انقلابی حضرت امام خمینی (ره) قرار داشت. وی به علت جانبداری از انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره)، حزب الله لبنان و حمایت از مقاومت اسلامی فلسطین با رژیم علی عبدالله صالح دچار اختلاف شد. از سال ۲۰۰۱ و به طور دقیق تر پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، علی عبدالله صالح به یکی از متحدان آمریکا در مبارزه با تروریسم تبدیل و عملاً یمن جولانگاه نیروهای آمریکایی شد. سید حسین الحوثی با شجاعت سیاست‌های مداخله جویانه آمریکا در یمن را محکوم کرد. در ۱۷ ژانویه ۲۰۰۲، سید حسین الحوثی خواستار تحریم همه کالاهای آمریکایی و اسرائیلی شد. وی شعار «الله اکبر، مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل، لعنت بر یهود و پیروز باد اسلام!» را شعار رسمی حرکت خود اعلام کرد. شخصیت ضداستکباری و تقید سید حسین به اسلام باعث شد تا جمعیت‌های زیادی در یمن از او پیروی کنند. منش و روحیه سید حسین الحوثی موجب افزایش محبوبیت وی در یمن به ویژه میان پیروان مذهب زیدیه شد. همین مسئله باعث شد تا علی عبدالله صالح به شدت با او مخالفت کند و او را تحت فشار قرار دهد (www.rand.org).^۲

الف) دیدگاه‌های سیاسی و اهداف انصارالله

بنیان‌گذار جنبش حوثی یا انصارالله، سید حسین حوثی، که از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷ نماینده حزب الحق در پارلمان یمن بود، همواره خود را شخصیت اسلام‌گرای نوگرا در مذهب زیدیه معرفی می‌کرد. وی مجموعه‌ای از یادداشت‌ها و جزوه‌های مشتمل بر افکار و دیدگاه‌های فقهی و دینی مربوط به مذهب زیدی همراه با اندیشه‌ها و دیدگاه‌هایی از مذاهب دیگر و شرایط روز را تهیه و آنها را در قالب امروزی،

1. https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2010/RAND_MG962.pdf. Regime and Periphery in Northern Yemen: The Huthi Phenomenon
2. https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2010/RAND_MG962.pdf. Regime and Periphery in Northern Yemen: The Huthi Phenomenon



دور از هر نوع رنگ و لعاب سنتی، ارائه کرد. سید حسین حوثی در این جزوه‌ها هیچ اشاره‌ای به اوضاع سیاسی جاری داخل یمن نکرد و نوعی رنگ و لعاب قوم‌گرایی و اسلام‌گرایی به آن زد که بنا به گفته پیروان و هوادارانش، هیچ تضادی با سیاست رسمی یمن نداشت.

سید حسین حوثی خشونت را حتی ضد مخالفان خود نفی کرده بود و فقط به تدریس و آگاه‌سازی می‌پرداخت؛ از همین رو انصارالله به صورت رسمی خواستار فعالیت حزبی، تأسیس دانشگاه و در نظر گرفتن مذهب زیدی به عنوان یک مذهب رسمی در کنار سایر مذاهب از سوی دولت بود؛ زیرا اعتقاد داشت دولت با محدود کردن آزادی فعالیت دینی و سیاسی در تلاش برای از بین بردن فرهنگ و معتقدات زیدی‌هاست. انصارالله همواره معتقد بوده است وضعیت سیاسی-فرهنگی یمن چیزی جز محدود کردن آزادی فعالیت دینی، سیاسی و تلاش برای از بین بردن فرهنگ و معتقدات زیدی‌ها از سوی دولت نبود. در مقابل، دولت یمن همواره این گروه را به تأسیس یک کشور اسلامی و بازگشت به حکومت قبلی زیدیه امامیه در یمن متهم می‌کرد (نیکخواه، ۱۳۹۵: ۲۰).

اما حوثی‌ها از همان ابتدای شکل‌گیری به هیچ وجه خواستار مقابله با نظام حاکم نبودند و هدف‌شان را استحکام کشور در مقابل سیطره‌طلبی آمریکا و اسرائیل بیان کردند. از نظر حوثی‌ها، هیچ مسئله‌ای مهم‌تر و جامع‌تر از مسئله فلسطین و رد سیطره‌جویی آمریکا نیست و بر این اساس، شعارهایی مانند «الله اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل و اسلام پیروز است» طرح کرده بودند. این شعارها پیوسته در برخی مساجد پس از ادای نماز سر داده می‌شد. سید حسین حوثی از طریق جزوه‌ها و تدریس در مراکز زیر نظر خود، با توده مردم ارتباط برقرار می‌کرد. در پایان هر فصل تحصیلی، هزاران نفر از مردم از صعد و مناطق مجاور در «مران» در حرکتی شبیه تظاهرات سالانه دور او جمع می‌شدند. همین فعالیت‌ها بود که انصارالله را به جنبشی قدرتمند با پیروان زیاد تبدیل کرد؛ به گونه‌ای که توانست پس از سرنگونی علی عبدالله صالح، نقش برتر را در مناسبات قدرت در این کشور ایفا کند.

ب) اهداف انصارالله

جنبش انصارالله در زمان انقلاب یمن عقیده داشت در وضعیتی که در آن به سر می‌برد، آزادی‌ها سرکوب و عقیده دینی آنها تهدید می‌شود و فرهنگیان در طایفه زیدی به حاشیه رانده شده‌اند؛ بنابراین درصدد بود رسماً با ایجاد دانشگاه با زمینه‌های معرفتی و تضمین حق شیعیان زیدی در آموزش مذهب در دانشکده‌های دینی موافقت و مذهب زیدی در کنار مذهب شافعی به عنوان مذهب اصلی کشور شناخته شود؛ ولی مقامات یمنی، چه دولت عبدالله صالح و چه دولت منصور هادی، تأکید می‌کنند که حوثی‌ها سعی در برپایی حکومت عالمان دینی و اعاده امامت زیدیه دارند.

در مجموع اهداف اصلی انصارالله در مقابله با دولت مستقر در یمن شامل موارد زیر می‌شود:

- ریشه‌کن‌سازی فساد اداری و دولتی و رشوه‌خواری و قطع دستان افراد و جریان‌های متنفذ از ثروت‌های یمن؛

- تشکیل دولت شایسته‌سالار و کارآمد و حل مشکلات یمن در داخل کشور و به‌دست یمنی‌ها؛
- دفاع از مسلمین و مظلومین جهان از جمله فلسطینیان و مبارزه با رژیم‌های غاصبی مانند رژیم صهیونیستی و دولت استکباری آمریکا در امتداد خط مقاومت؛
- عدم مداخله کشورهای بیگانه به‌ویژه عربستان و آمریکا در امور یمن و قطع ایادی آنها در تعیین سرنوشت مردم یمن.

ج) ویژگی‌های برجسته جنبش انصارالله

- وفاداری و حمایت اعضا از جنبش: یکی از نمودهای اصلی زیدیان، وفاداری کامل آنها به سازمان است که در موارد زیر دیده می‌شود: شرکت در اجتماعات مذهبی و سیاسی، پشتیبانی‌های مالی و نظامی، مشارکت فعال در سخنرانی رهبران (که شهید حسین الحوثی انجام می‌داد و پس از او، عبدالمالک الحوثی اجرا می‌کند و جمعیت کثیر و پرشوری از آن حمایت می‌کنند)، سر دادن شعارهای گروه الحوثی پس از هر نماز و در اجتماعات مختلف، حمل کردن پرچم انصارالله و پلاکاردها و دست‌نوشته‌هایی که همگی مؤید وفاداری و حمایت مردم و اعضا از جنبش است.

- رهبری فرهنگد و رهبری اجرایی: رهبری فرهنگد در جنبش اجتماعی می‌تواند توده‌های مردم را در حمایت از آرمان‌ها و اهداف جنبش بسیج کند؛ اما نقش رهبر اجرایی با نقش رهبر فرهنگد بسیار متفاوت است. توجه رهبر اجرایی باید امور عملی از قبیل سازماندهی جنبش، تفویض وظایف و مسئولیت‌ها و تأمین بودجه جنبش از طریق گردآوری اعانه روابط عمومی باشد. برای مثال، در جنبش استقلال‌طلب هند، مهاتما گاندی، یک رهبر فرهنگد و جواهر لعل نهرو یک رهبر اجرایی بود. جنبش انصارالله هم در طول شکل‌گیری و مبارزات خود، از رهبران فرهنگد، شجاع، انقلابی و قدرتمند در حوزه اجرایی برخوردار بوده است؛ از جمله شهید حسین الحوثی که هم در اندیشه و ایدئولوژی مبارزه، هم تربیت و سازماندهی و بسیج عمومی نیروهای خود، از نوعی رهبری فرهنگد و اجرایی برخوردار بوده است.

- ویژگی‌های شخصیتی: حوثی‌ها به صبر، تلاش، استقامت، شجاعت و جنگجویی مشهورند. این ویژگی‌ها که در بنیان‌گذار این جنبش مشهود بود، کمک بسیاری به توسعه این جنبش کرده است. شیعیان شمال یمن (به‌ویژه شیعیان الحوثی) با درک این وضعیت و گزینش ایدئولوژی انقلابی و پیوند آن با رهبری لایق خود، مشارکتی فعال در جنبش یافتند.





این ویژگی‌ها باعث شد که انصارالله با وجود جریان‌های قدرت متعدد در یمن پس از انقلاب مردم یمن علیه حکومت وابسته عبدالله صالح، دست بالا را در مناسبات قدرت در این کشور به دست آورد و در عمل در نقش یک دولت ظاهر شود.

نقاط قوت و ضعف جنبش انصارالله در رسیدن به سطح دولت

۱. نقاط قوت جنبش انصارالله

الف) قدرت نظامی: انصارالله قدرت نظامی خود را در مقابله و مقاومت در مقابل ائتلاف سعودی در طول شش سال به نمایش گذاشته است. این مسئله در تغییر راهبرد این جنبش از تدافعی به تهاجمی در مقابل سعودی کاملاً مشهود است. موشک‌های بالستیک تنها بخشی از توانمندی‌های نظامی انصارالله یمن است. موشک‌های کروز، قدس ۱، برکان ۱ و ۲ و قاهر ۱ و ۲ و هواپیماهای بدون سرنشین طی سال‌های اخیر خاک عربستان را هدف قرار می‌دهند. استفاده روزافزون ارتش یمن از پهپادها و هدف قرار دادن سکوهای نفتی عربستان همگی از قدرت بالای نظامی انصارالله در مقابل ائتلاف سعودی که از همه تجهیزات نظامی برخوردار است، نشان دارد (<https://www.tasnimnews.com>).

ب) رهبری منسجم: جنبش انصارالله، در طول شکل‌گیری و مبارزات خود، از رهبران فرهمند، شجاع، انقلابی و قدرتمند در حوزه اجرایی برخوردار بوده است که می‌توان به شهید حسین الحوثی، بنیان‌گذار جنبش، و رهبر فعلی، عبدالملک بدرالدین الحوثی اشاره کرد، که هم در اندیشه و ایدئولوژی مبارزه، هم تربیت و سازماندهی و بسیج عمومی نیروهای خود، از ویژگی یک رهبر فرهمند برخوردار است.

عبدالملک الحوثی فردی خطیب و توانا در بسیج طرفداران و پیروانش است. در سال ۲۰۰۷، سایت اینترنتی المنبر را تأسیس کرد تا افکار و دیدگاه‌های خود را به جهانیان منتقل کند. در مجموع عبدالملک حوثی، رهبر فعلی جنبش انصارالله، به علت داشتن شخصیت قوی، پس از شهادت برادرش حسین، با وجود برادر بزرگ‌ترش یحیی، به رهبری این جنبش برگزیده شد و از سال ۲۰۰۴ تاکنون توانسته است با کمک برخی همفکران برادرش در شباب المؤمن، آن را هدایت و رهبری کند. وی که در سخنوری بسیار تواناست، توانسته از نفوذ پدرش بدرالدین که از ائمه مذهب جارودی (فرقه‌ای از زیدیه) است و از احترام و نفوذ زیادی در یمن برخوردار است، بهره‌افزایی ببرد. به گفته مخالفان حوثی‌ها، تحولات فکری آنها باعث شده است که در بسیاری از افکار و عقاید با شیعه امامی احساس نزدیکی کنند. به همین علت ایران به حمایت فکری از انصارالله متهم شده است. (رئیس، ۱۳۹۵: ۵۹).

ج) پشتوانه مردمی: شیعیان شمال یمن (به‌ویژه شیعیان الحوثی) با درک وضعیت نابسامان یمن در دوره عبدالله صالح و گزینش ایدئولوژی انقلابی و پیوند آن با رهبری لایق خود، مشارکتی فعال در جنبش انصارالله داشته‌اند. حضور پرشور مردم در راهپیمایی‌هایی که به دعوت انصارالله به مناسبت‌های مختلف صورت می‌گیرد، خود نشانی از پشتوانه عظیم مردمی برای این جنبش دارد. (د) موقعیت سرزمینی: یمن یکی از حاصل‌خیزترین مناطق شبه‌جزیره عربی به‌شمار می‌رود و به علت داشتن موقعیت خاص جغرافیایی و بنادر و جزایر مهم، در طول تاریخ مورد طمع استعمارگران بوده است. یمن از لحاظ راهبردی، اهمیتی ویژه دارد؛ زیرا در بخش شرقی باب‌المندب قرار گرفته و این تنگه پیونددهنده دریای سرخ و اقیانوس هند است و نزدیک‌ترین آبراه بین شرق و غرب به‌شمار می‌رود. یمن یکی از نقاط حساس راهبردی مد نظر شرق و غرب است. این کشور با تسلط بر تنگه باب‌المندب قادر به کنترل دریای سرخ است و حتی می‌تواند آنجا را با داشتن جزیره مهم و راهبردی «بریم» ببندد. این جزیره، تنگه باب‌المندب را به دو بخش آبراه شرقی به نام باب‌الاسکندر و آبراه غربی به نام میون تقسیم کرده است. بستن این تنگه می‌تواند ضررهای مالی بسیاری به کشورهای مختلف بزند (Sawyer, 2007: 5).

۲. نقاط ضعف جنبش انصارالله

الف) ساختار قبیله‌ای جامعه یمن: در یمن به‌علت وجود ساختار قبیله‌ای، امکان شکل‌گیری یک دولت ملی بسیار کم است. یکی از دلایلی که علی عبدالله صالح توانست در قدرت بماند، ائتلاف و اتحاد با قبایل مختلف بود. انصارالله اکنون دولت نجات ملی تشکیل داده است، اما به نظر می‌رسد مدل دولت مد نظرش در صورت رسیدن به قدرت، دولت طایفه‌ای است تا قدرت بیشتر در دست حوثی‌ها باقی بماند و در تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی هم به‌صورت طایفه‌ای عمل خواهد کرد. از این‌رو مانع بزرگی در رسیدن انصارالله یمن به سطح دولتی وجود دارد (نیکخواه، ۱۳۹۵: ۲۰).

ب) وجود دشمنان منطقه‌ای: عربستان که بر پایه ایدئولوژی وهابی عمل می‌کند، تقابل شدیدی با شیعیان دارد. از دید عربستان، شیعیان یمن پیوند بسیاری با شیعیان ایران از یک سو و شیعیان عربستان از سوی دیگر دارند؛ از این‌رو برتری آنها تهدیدکننده قدرت عربستان در منطقه است (امل العالم، ۲۰۱۵: ۵۰). به همین علت سعودی‌ها با هزینه‌های بسیار درصدد حذف این قدرت هستند. یکی از دلایل حمله آنها به یمن تلاش برای تقویت مخالفان انصارالله در این کشور است.

ج) فقدان مدل حکومتی مناسب: انصارالله گرچه یک جنبش اسلامی است، اما مدل حکومتی ندارد و از لحاظ شکلی بر دولت دموکراتیک تأکید می‌کند. مدل دموکراتیک نیاز به ائتلاف با گروه‌های مختلف دارد که با ماهیت انصارالله قابل جمع نیست.





د) ضعف اجماع‌سازی در داخل: انصارالله بیشتر قدرت کنترل‌کننده داشته است تا قدرت ائتلاف‌ساز. جریان‌ها و گروه‌های قدرت در یمن با انصارالله همراهی نمی‌کنند و این عدم همراهی مانعی بزرگ در تشکیل دولت محسوب می‌شود.

ه) ضعف اقتصادی: انصارالله به علت تحریم‌های بین‌المللی و جنگ با سعودی‌ها، با مشکلات مالی بسیاری دست به گریبان است. این مسئله می‌تواند مانعی جدی در تشکیل دولت توسط این جنبش باشد (<https://www.irna.ir>).

و) فقدان مشروعیت بین‌المللی: غیر از ایران، هیچ کشور دیگری انصارالله را به رسمیت نمی‌شناسد. حتی برخی کشورها انصارالله را یک گروه تروریستی می‌دانند که مشکلی بزرگ در رسیدن انصارالله به سطح دولت است؛ زیرا یکی از پایه‌های اصلی هر دولتی، داشتن حاکمیت در سطح بین‌المللی است.

فرصت‌ها و تهدیدهای رسیدن به سطح دولت برای انصارالله

۱. فرصت‌های رسیدن انصارالله به سطح دولت

الف) کمک به جبهه مقاومت: انصارالله با توجه به اندیشه‌ای که دارد، در مقابل جریان‌های تکفیری، سلطنت‌طلب، غرب‌گرا و اسرائیل قرار می‌گیرد. این همسویی با آرمان‌های جبهه مقاومت موجب تقویت و هم‌پوشانی تفکر مقاومت خواهد شد.

ب) مقابله با استکبار جهانی: همان‌گونه که از شعارهای انصارالله و اهداف اصلی آن برمی‌آید، مبارزه با مستکبرین و در رأس آنها آمریکا و اسرائیل در برنامه‌های این جنبش وجود دارد. از این رو با رسیدن به سطح دولت، این اصل را اجرا خواهد کرد.

ج) تقویت ادبیات دینی در منطقه: حکومت‌های سکولار و سلطنتی، مدل حکومتی غالب در شبه‌جزیره عربستان هستند؛ اما انصارالله یمن می‌تواند آغازگر شکل جدیدی از دولت در این منطقه باشد و بر پایه ادبیات دینی و به‌طور خاص مذهب شیعه، مناسبات منطقه را اداره کند.

د) ایجاد بلوک قدرت در شبه‌جزیره عربستان و درگیر کردن رقبای ایران در آن منطقه: در شبه‌جزیره عربستان شیخ‌نشینان همسو با عربستان، همواره از مواضعی یکسان در مناسبات بین‌المللی برخوردار بوده‌اند. به قدرت رسیدن انصارالله یمن این موازنه را بر هم می‌زند و می‌تواند به بلوک مخالف جدیدی در مقابل عربستان تبدیل شود.

۲. تهدیدهای رسیدن انصارالله به سطح دولت

الف) تشدید اختلافات درون مذهبی در صورت تثبیت قدرت: انصارالله به‌علت پیوستگی با مذهب شیعه، در صورت رسیدن به سطح دولت، ممکن است منازعات و اختلافات مذهبی در جهان اسلام را شدت بخشد. این مسئله در عین حال که فرصت است، در صورت درست مدیریت نشدن، خود به تهدیدی برای جهان اسلام تبدیل می‌شود. وجود فرقه وهابیت در عربستان که با پول‌های نفتی برای برافروختن هر جنگ مذهبی حتی به قیمت نابودی کل جهان اسلام آماده هست، تهدیدی است که باید به‌درستی و با دقت مدیریت شود.

ب) ایجاد ذهنیت منفی به دولت مذهبی در صورت شکست اقتصادی: اداره یک دولت نیاز به تجربه و تخصص بالایی به‌خصوص در بعد اقتصادی دارد. احتمال دارد انصارالله به‌رغم رسیدن به سطح دولت، به‌علت داشتن دشمنان داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی نتواند نیازهای معیشتی مردم را برطرف کند. این مسئله باعث ایجاد ذهنیت منفی از آنها و دولت دینی خواهد شد؛ چنان که برای اخوان المسلمین اتفاق افتاد.

نتایج، تاکتیک‌ها و راهبردها

در این بخش با اتکا به روش SWOT که از روش‌های آینده‌پژوهی است، به ترسیم ماتریس نسبت مقاومت و دولت در یمن و ارائه نشانه‌های راه آینده برای جنبش انصارالله می‌پردازیم.

۱. راهبردی برای انصارالله

- انصارالله با توجه به مؤلفه‌های چهارگانه‌ای که ترسیم شد، می‌تواند به دولت پشتیبان مقاومت در منطقه تبدیل شود، اما با توجه به نقاط قوت و ضعف و همچنین فرصت‌ها و تهدیدهایی که به‌وجود می‌آورد، باید به تکنیک‌ها و راهبرد نهایی در این خصوص توجه کرد.

نقاط قوت (Strengths)	فرصت‌ها (Opportunities)
- قدرت نظامی - رهبری منسجم - پشتوانه مردمی - موقعیت سرزمینی	- کمک به جبهه مقاومت - مقابله با استکبار جهانی - تقویت ادبیات دینی در منطقه - ایجاد بلوک قدرت در شبه‌جزیره عربستان و درگیر کردن رقبای ایران در آن منطقه
نقاط ضعف (Weaknesses)	تهدیدها (Threats)
- ساخت قبیله‌ای جامعه یمن - وجود دشمنان منطقه‌ای - فقدان مدل حکومتی مناسب - ضعف اجماع‌سازی در داخل - ضعف اقتصادی - فقدان مشروعیت بین‌المللی	- تشدید اختلاف‌های مذهبی در صورت تثبیت قدرت - ایجاد ذهنیت منفی نسبت به دولت مذهبی در صورت شکست اقتصادی



الف) تحلیل SO: تاکتیک تهاجمی

انصارالله با توجه به قدرت نظامی و رهبری منسجم و پشتوانه مردمی، می‌تواند به سمت تشکیل دولت پیش برود. شکل‌گیری چنین دولتی نه تنها فرصت‌هایی را برای محور مقاومت همراه خواهد داشت، بلکه یک بلوک قدرت شیعی در شبه جزیره عربستان به وجود می‌آورد.

برای عملیاتی کردن این تاکتیک، انصارالله باید چند اقدام انجام دهد:

- ائتلاف با قبایل و گروه‌های غیرزیدی؛
- تسخیر کامل سرزمین یمن با شکست نیروهای ائتلاف؛
- ترسیم مدل حکومتی شبیه مدل حکومتی در ایران.

در صورت تحقق این سه شرط، انصارالله بهتر است از تاکتیک تهاجمی برای رسیدن به سطح دولت بهره ببرد.

ب) تحلیل WO: تاکتیک بازنگری

با توجه به فرصت‌هایی که با رسیدن انصارالله به سطح دولت برای محور مقاومت فراهم می‌شود، این جنبش باید برای رسیدن به هدف، به رفع نقاط ضعف اقدام کند.

- ابتدا باید اجماعی میان طوایف مختلف با هدف استقلال یمن ایجاد کند.
- باید مدلی حکومتی ترسیم کند که قابلیت کسب مشروعیت بین‌المللی را داشته باشد.
- در مسائل اقتصادی و معیشتی مردم با بهره‌گیری از ظرفیت‌های محور مقاومت، وضعیت را بسامان کند.
- باید استقلال مالی و تسلیحاتی را در دستور کارش قرار دهد.

ج) تحلیل ST: تاکتیک تنوع‌بخشی

استفاده از نقاط قوت در تدوین یک راهبرد تنوع‌بخشی با ویژگی‌های زیر، در غلبه بر تهدیدهای موجود کمک می‌کند:

- برتری در میدان جنگ در یمن باید نه به نام حوثی‌ها بلکه به نام مردم یمن برای استقلال این کشور از دست زورگویان منطقه‌ای و جهانی باشد. این عامل از اختلافات داخلی و قبیله‌ای می‌کاهد و به تشکیل دولتی با ثبات و مشروعیت به محوریت انصارالله زیدی می‌انجامد.
- بهره‌گیری از موقعیت سوق‌الجیشی در تأمین منابع مالی به خصوص تنگه «باب‌المندب» از تهدیدهای اقتصادی برای انصارالله می‌کاهد.

د) تحلیل WT: تاکتیک تدافعی

با توجه به ساخت قبیله‌ای چندپاره در یمن و همچنین دشمنان منطقه‌ای، احتمال ادامه وضعیت موجود و تبدیل یمن به زمینی سوخته که عامل آن انصارالله و شیعیان زیدیه معرفی شوند، وجود دارد. بنابراین انصارالله نباید خود را در برابر گروه‌های داخلی قرار دهد و با ادامه جنگ فرسایشی، وضعیت یمن را به شرایط سیاهی بکشانند.

۲. راهبرد اصلی برای جنبش انصارالله (دولت‌سازی)

انصارالله با توجه به پشتوانه مردمی که دارد باید به جریان قدرت مشروع در یمن تبدیل شود؛ اما تشکیل دولت یکپارچه و یک‌دست با توجه به ساخت جمعیتی یمن، دست‌کم در کوتاه‌مدت ممکن نیست. به نظر می‌رسد اگر انصارالله بخواهد با اتکا به قدرت نظامی و پشتوانه مردمی، یک دولت حداقلی متشکل از حوثی‌ها تشکیل دهد، در بلندمدت نفعی برای محور مقاومت ندارد؛ اما اگر دولتی با مشارکت جریان‌های قدرت در یمن شکل بگیرد و انصارالله هم نقش محوری در آن داشته باشد، وضعیت مطلوبی است و می‌توان از آن به «دولت پشتیبان مقاومت» نام برد. در واقع، بهتر است انصارالله به جای دولت‌داری، دست به دولت‌سازی بزند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با بررسی نسبت مقاومت یمن با ماهیت دولت در این کشور درصدد بررسی این مسئله بودیم که جنبش انصارالله از چه ظرفیتی برای رسیدن به سطح دولت برخوردار است. پس از طی کردن مسیر به این نتیجه رسیدیم که میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب فاصله بسیاری وجود دارد. جنبش انصارالله نقاط قوت و ضعف متعددی برای رسیدن به سطح دولت دارد. رسیدن انصارالله به سطح دولت، به‌رغم داشتن روشنای فرصت تاریخی برای محور مقاومت، با سایه‌های تهدیدی هم مواجه است که نشانگان آن بسیار است. در این پژوهش پس از بررسی فرصت‌ها و تهدیدها و همچنین نقاط قوت و ضعف جنبش انصارالله، راهبرد دولت‌سازی و کسب مشروعیت را برای انصارالله پیشنهاد کردیم. این مسئله برای سایر جریان‌های مقاومت مانند حزب‌الله در لبنان، حشد الشعبی در عراق، اخوان المسلمین در مصر و... هم قابل بررسی است که آن را به عنوان موضوع پژوهشی به خوانندگان این مقاله پیشنهاد می‌دهیم.



منابع و مآخذ

- اسپوزیتو، جان ال. و جان او. وال (۱۳۸۹)، جنبش‌های اسلامی معاصر (اسلام و دموکراسی)، تهران: نشر نی.
- افشون، تورج (۱۳۹۹)، جامعه‌شناسی سیاسی عراق، نشر عقل سرخ.
- اوتادی، مارینا (۱۳۸۶)، گذار به دموکراسی یا شبه‌اقتدارگرایی، ترجمه سعید میرترابی، تهران: نشر قومس.
- بهشتی، یحیی (۱۴۰۰)، آشنایی با کردستان عراق، انتشارات اندیشه‌سازان نور.
- رسولی، معین (۱۳۹۴)، انقلاب یمن، مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- رئیس، محمد (۱۳۹۵)، جنبش انصارالله یمن، تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- سعد غریب، امل (۱۳۸۹)، دین و سیاست در حزب الله، تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- مؤسسه هنا اترناسیونال، دایره المعارف حزب الله، ج ۱، بیروت.
- Kepel, Gills (2000), Islamism Reconsidered, Harvard International Review, Vol 22, No. Summer.
- Sawyer, Tom (May 1, 2007), "Notice-to-Proceed Launches Ambitious Red Sea Crossing", Engineering News-Record.
- احمد موسی بدوی، «الدور السياسي للقبيلة في اليمن»، Acrseg.org
- اربابی، مصطفی، «آشنایی با افکار، اهداف، برنامه‌ها و تشکیلات «إخوان المسلمین»»
<http://eslahe.com/4499>
- اسلام ۱۴، «کتابت جندالام تقيم مجلس تأیینی علی ارواح الشهداء القادة فی العراق»
<http://islam14.com/arabic/?p=15273>
- الاعلان عن ولادة فيلق الوعد الصادق في العراق،
<http://www.alhak.org/vb/showthread.php?t=28335>
- التيار الرسالي، «الامين العام للتيار الرسالي يدين قرار الاتحاد الاوربي بوضع حزب الله على قائمة الارهاب»
<http://www.altayar-alresaly.com/news.php?action=view&id=191>
- التيار الرسالي، «الشيخ عدنان الشحمانی يبعث برسالة عهد وعقد و بيعة الى السيد حسن نصرالله»
<http://www.altayar-alresaly.com/news.php?action=view&id=188>
- التيار الرسالي، «قادة فصائل المقاومة الاسلامية تعقد اجتماعا لتقييم الوضع الحالي للمعارك»
<http://www.altayar-alresaly.com/news.php?action=view&id=363>
- الجزيرة (۲۰۱۴)، «هيئة رسمية حشد شعبي في العراق»
<http://www.aljazeera.net/news/arabic/2014/12/17/>

▪ دستور الجمهورية اليمنية، الباب الأول (أسس الدولة، الفصل الأول، الأساس السياسية) قانون اساسى جمهورى يمن، ١٩٩٥.

▪ شيعه آنالين، «تكذيب يك خبر توسط دفتر حضرت آيت الله سيستانى»

<http://yaqoobi.org/2014-11-14-06-37-16>

▪ العتبة العلوية المقدسة (٢٠١٤)، «العتبة العلوية المقدسة ترسل سرايا قتالية من فرقة الإمام على العسكرية

لجبهات القتال ضد الإرهاب»: <http://imamali.net/old/?part=15&id=1920>

▪ الفضيله الاسلامى، «الجدور التاريخية والنشأة الأولى لحزب الفضيلة الإسلامى»:

http://www.alfadhela.net.iq/?aa=about_us&menu=2&skin=3&p=Web-Menus

▪ فيس بوك (٢٠١٤)، «المكتب الاعلامى للمقاومة الاسلامية فى العراق كتائب الفتح المبين»،

<https://www.facebook.com/>

▪ الكفيل (٢٠١٤)، «اقرأ تفاصيل تشكيل لواء على الأكبر والبطولات التى سطرها ضد (كيان داعش التكفيرى)».

▪ الكفيل (٢٠١٤)، «فرقة العباس القتالية تعلن: إن (٢٥٥١٣) متدربا تخرجوا من الدورات التدريبية التى جاءت

استجابة لنداء المرجعية الدينية العليا»: <https://alkafeel.net/ar-news/index.php?id=3061>

▪ موقع الحشد الشعبى، «حشد الانبار: ٣٠٠٠ مقاتل يمسون الأرض فى الرمادى»، <http://al-hashed.net/>

▪ موقع كتائب الغضب، «تشكيلات كتائب الغضب»، <http://www.al-gd.com/?p=34>

▪ الوطن (٢٠١٤)، «زعيم «فيلق الوعد الصادق» العراقى: أرسلنا مقاتلين إلى سورية للدفاع عن المقدسات

الشيعية»: <http://alwatan.kuwait.tt/article/details.aspx?id=295998>

▪ يوتيوب (٢٠١٤)، «اعلان تشكيل لواء الشباب الرسالى بصوت الشيخ وصفى الحريشاوى»:

https://www.youtube.com/watch?v=Ycrp-eM_IXo

▪ يوتيوب (٢٠١٤)، «السيد السيستانى يفتى بالجهاد الكفائى»،

<https://www.youtube.com/watch?v=R7by5almGhA>

▪ Defense.gov, Coalition Operations in Syria Unchanged Despite Russian Airstrikes, Spokesman Says: <http://www.defense.gov/News-Article-View/Article/621501/coalition-operations-in-syria-unchanged-despite-russian-airstrikes-spokesman-sa>

▪ <http://al-hashed.net/>

▪ <http://al-khorasani.org/162->

▪ <http://saidshuhada.com/index.php/moqa/syria/9464.html>

▪ <http://www.longwarjournal.org/archives/2015/06/qods-force-commander->



soleimani- reportedly-spotted-in-anbar-province.php

- <http://www.newsgalibon.net/index.php/2013-02-26-22-41-36/2013-02-26-22-42-13/3148-2014-06-24-06-51-55.html>
- <https://ixport.ir/iraq-constitution/>
- <https://web.archive.org/web/20170910080711/https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/le.html>
- <https://www.globalsecurity.org/military/world/para/hizballah-rockets.htm>
- [https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2010/RAND_MG962.p](https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2010/RAND_MG962.pdf)
df. Regime and Periphery in Northern Yemen: The Huthi Phenomenon
- <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399>

